

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبد اللطیف صدیقی للندری

دز دیده چون جان میروی اندر میان جان من
سرو خرامان منی ای رونق بستان من

(مولانا)

شعر ناب

باری بیا ای جان من لطفی نما سلطان من
ای بی خبر از آن من ای دین و ای ایمان من
بی عشق تو هر جا روم آفت بود در هر قدم
با من نیامیزی چرا، ای همچو من در جان من
با این تنم بیگانه ای باری بشو محرم مرا
با آن نگاه جادویت در خواب کن چشمان من
دانی لبان مست تو چون چشمت افسونگر بود
از آن لبان دلربا باری نما درمان من
هرگز نباشد در سرم جز یاد تو اندر برم
بی عشق تو من کافر، ای دین و ای ایمان من
باری به فریادم برس ای همنوای دادرس
از من گریزی تا یکی یک شب بشو مهمان من
بی بال و پر پرواز کن درب وصالش باز کن
ای دل بیا اعجاز کن رو در بر سلطان من
یک بار سوی من نگر با دیده افسوگرت
در قلب من جا گیر، یا در دیده گریان من

در هر سخن مستی ز تو برپا شود چون شعر ناب
آخر سرا شعری به من ، ای زینت دیوان من
تا کی تو هستی بی خبر از این لطیف در بدر
از حال زارم شو خبر آ بر سر پیمان من